



## امر به معروف و نهی از منکر

# درسی از عاشورای حسینی (ع)

بحث درباره انگیزه قیام و نهضت امام حسین علیه السلام، بحث تازه ای نیست بویژه اینکه در این مجله، همواره در این باره مطالبی را تذکر داده ایم؛ ولی آنچه لازم به گفتن است، این است که نباید اوضاع و شرایط زمان ما را از آن انگیزه حقیقی که حضرت سیدالشهدا علیه السلام جان خود و فرزندان و برادران و خویشان و اصحاب باوفایش را نثار کرد، باز دارد و شاید بهمین علت هم هست که ائمه هدی علیهم السلام تأکید کرده اند که پیوسته ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام شود و علت شهادت آن حضرت، تذکر داده شود و خود همیشه یاد از آن حضرت می کردند و علما و بزرگان دین در طول تاریخ پس از شهادت، مجالس سوگواری و روضه امام حسین «علیه السلام» را بر پا می کردند.

### برپائی مجالس عزاداری

علقمه می گوید: امام باقر علیه السلام دستور می داد که حتماً در روز عاشورا، مصیبت سیدالشهداء سلام الله علیه برای مردم خوانده شود و بر آن حضرت گریه کنند و خود آن حضرت دستور می داد به اشخاصی که از آنها تقیه ای نداشتند، که بر امام حسین علیه السلام گریه کنند و در منزل خود همواره مجلس عزاداری بر پا می فرمود و امر می کرد که مؤمنین به یکدیگر تسلیت بگویند و می فرمود:

من ضمانت می کنم ثواب دوهزار حج و دوهزار عمره و دوهزار غزوه را بر آنها.

می گوید: عرض کردم چگونه به یکدیگر تسلیت بگوئیم؟

فرمود بگویند: «عظم الله أجورنا بفضائل الحسين عليه السلام وجعلنا وإياكم من الظالمين بتاريخه مع وليه الإمام المهدي من آل محمد».

خداوند اجرت ما را بسیار گرداند در مصیبتمان به شهادت امام حسین علیه السلام و ما و شما را از خونخواهان او همراه با ولیش امام مهدی (عج) از آل محمد قرار دهد.

اینجا دیگر بحث از گریه به انگیزه گریه و زاری نیست بلکه گریه برای این است که خونخواهی و طلب تار کشیم و امام حسین علیه السلام را یاری دهیم. این همان گریه ای است که تا امروز اسلام را نجات داده است و مکتب سیدالشهداء علیه السلام را حفظ کرده است. این همان گریه مقدسی است که انقلاب اسلامی ایران را به رهبری فرزند امام حسین علیه السلام به پیروزی رسانده است. این همان گریه ای است که به تمام دشمنان این مکتب در طول تاریخ «نه» گفته

است و امروز هم به آمریکا و دیگر جهانخواران و استعمارگران «نه» می گوید. این همان گریه ای است که ما را آماده قیام برای حفظ دین خدا در سرزمینهای الهی می کند و این همان گریه حرارت بخش و شجاعت آوردن هیکان زانی است که ملت های مستضعف را به قیام و حرکت و جنبش وامی دارد. و خلاصه این همان گریه ای است که یادآور سخنان مقدس و حرکت برانگیز امام حسین علیه السلام می باشد.

لذا گریه بر امام حسین زنده نگهداشتن عاشورا است و زنده نگهداشتن عاشورا عملکردن به سخنان آن حضرت است و در آن صورت است که کشور ما، بقول حضرت امام قدس سره، آسیب نخواهد دید. زیرا محبت بدون عمل بی معنی و بی ارزش است. الله عمل کردن به سخنان امام، به این معنی نیست که سلاح های خود را برداریم و دشمنان دین در هر جا و مکان بچنگیم که شرایط خاصی دارد و منوط به دستور ولی مسلمین است. ولی به آن معنی هم نیست که سرسازش با کفر و شرک داشته باشیم که این دیگر با انگیزه و هدف پیشوای بزرگ مخالف است.

### سرسازش با کفر را نداریم

امام امت رحمة الله علیه و قدس الله نفسه الزکوة، همان روز هم که جام زهر آلود صلح را سرمی کشید، با تمام شهادت اعلام کرد که: «خداوندا، تومی دانی که ما سرسازش با کفر را نداریم» و این ترجمه سخن همیشه جاوید امام حسین علیه السلام است که فرمود: «هیهات منا الذله».

و در همان پیام نیز با صراحت بیان کرد که: «اگر نبدند استخوانهایمان را جدا سازند»

اگر سرمان را بالای دار برند؛ اگر زنده زنده در نعل‌های آثمان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هشمان را در جلودیدگانمان به اسارت و غارت برند، هرگز امان نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم».

درود خداوند بر روح و روانت باد ای فرزندی راستین ای عبدالله علیه السلام که در تمام مراحل زندگی، این عزت نفس و عظمت روح و باطن اثبات رساندی و هرگز با دشمنان سازش نکردی و تو ترجمان حقیقی جد بزرگوارت بودی که فرمود:

«لا والله لأعطيهم ببدي اعطاء الدليل ولا أفر فرار العبد» - نه، به خدا سوگند، هرگز دست دلت به آنان نمی‌دهم و مانند بردگان از صحنه کارزار فرار نمی‌کنم.

بشایر این، ما نه تنها در ایام جنگ و کارزار، نیاز به حسین علیه السلام داریم و مقوم به پیروی از مکتب او هستیم بلکه حتی در ایام صلح و بازسازی نیز، باید حسینی وار زندگی کنیم. صلح چیزی جدای از سازش و سر تسلیم فرود آوردن است. ما اگر جنگجویان شرافتمندانه بود، باید صلحمان نیز شرافتمندانه باشد یعنی در آن بوی سازش با استعمارگران و رفتن زیر پرچم جهانخواران و رکون و تکیه بر سنگران نباشد.

حال باز گردیم به اصل مطلب که عبارت بود از شناختن اجمالی انگیزه قیام امام حسین علیه السلام و به فراموشی سپردن آن:

### انگیزه نهضت حسینی

حضرت سید الشهداء سلام الله علیه در مواقع مختلف و از روز حرکت تا شهادت به بیانه‌های گوناگون، انگیزه نهضتش را اعلام و گوشزد نموده است. در وصیتنامه آنحضرت به محمد بن حنفیه آمده است:

«... واتى لم أخرج أشراً ولا بطراً ولا مفسداً ولا ظالماً وأما خرجت لطلب الإصلاح في أمة جدي أريد أن آمر بالمعروف وأنهى عن المنكر وأسير بسيرة جدي وأبي علي بن أبي طالب...» - و همانا من نه از روی خودخواهی و یا برای خوشگذرانی و یا به انگیزه فساد در جامعه و ستم به مردم، بیرون آمدم بلکه خروج من و انگیزه سفرم، برای اصلاح امور امت جدم پیامبر است، من می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سنت و قانون جدم و پدرم علی بن ابی طالب قدم بردارم.

حال اگر ما پیرو امام حسین علیه السلام هستیم، باید در تمام شرایط و اوضاع به فکر اصلاح امور جامعه مسلمین باشیم و باید همواره امر به معروف و نهی از منکر کنیم و این دیگر مشروط به زمان و مکان خاصی نیست. انسان خیرخواه باید همیشه خیر مردم و مسلمانان را بخواهد و خیر آنان در پیروی از مکتب حیاتبخش اسلام است که از راه امر به معروف و نهی از منکر بدست می‌آید. و این وظیفه‌ای است همگانی و همیشگی و باید مسلمانان از این وظیفه سرباز نزنند و بدون تریس و وا همه، در پی اصلاح امور خودشان باشند. بر مسلمانان تمام کشورهای اسلامی است که برای احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، قیام کنند و این دو شعار بزرگ اسلام را رها نکنند که در آن صورت، جز خواری و ذلت نصیبشان نخواهد شد و بی‌گمان مرگ با عزت، ارزشمندتر از زندگی ننگین است.

### مهمترین فریضه الهی

در روایت بسیار جالبی از حضرت سید الشهداء علیه السلام در تحف العقول نقل شده است که فرمود:

«اعتبروا ايها الناس بما وعظ الله به اوليائه من

سوء نسانه على الاحبار اذ يقول: [الولا ينهام الزمانيون والاحبار عن قولهم الانم] وقال: [لعن الذين كفروا من بني اسرائيل...] وأما عاب الله ذلك عليهم لانهم كانوا يرون من الظلمة الذين بين اظهرهم المنكر والفساد فلا ينهونهم عن ذلك رغبة فيما كانوا يسالون منهم. ورهة مشا يحدرون والله يقول: [فلا نخشوا الناس واخشون] وقال: [المؤمنون والمؤمنات بعضهم اولياء بعض يأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر] فبدأ الله بالأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فریضة منه لعلمه بأنها إذا أدبت وأقيمت، استقامت الفرائض كلها، هتتها وصعبها...».

ای مردم! عبرت بگیرید از موعظه‌های خداوند به اولیاءش و بنگیرید که چگونه بر احبار نفرین می‌فرستد و می‌فرماید: چه می‌شد اگر روحانیون و احبار، آنان را از سخن گناه، باز می‌داشتند و می‌فرماید: لعن و نفرین باد بر کافران از بنی اسرائیل... و قطعاً اینست که خداوند بر آنها عیب دانست، به این لحاظ بود که منکر و فساد را از ظالمان می‌دیدند، ولی نهیشان نمی‌کردند زیرا یا به امید دستیابی به بدل و بخشش آنان بودند و یا از آنها می‌ترسیدند و هراس داشتند در حالی که خداوند می‌فرماید: از مردم نترسید و از من ترسید. و در آیه دیگری می‌فرماید: مؤمنین دوستان یکدیگرند، از این رو امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. و در این آیه، فریضه امر به معروف و نهی از منکر را بر همه چیز مقدم دانسته است زیرا می‌داند که اگر این فریضه درست ادا شود و برپا گردد، تمام فرایض و واجبات دیگر برپا خواهد شد، چه واجبات آسان و چه دشوار.

و در روایتهای متعددی وارد شده است که اگر مسلمانان فریضه امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، دعایشان مستجاب نگردد و خداوند کسانی را بر آنان مسلط می‌گرداند که از بدترین آنها خواهند بود،

بلکه در برخی از روایات تهدید شده است که اگر این سنت الهی ترک شود، پس باید منتظر عذاب الهی در دنیا و آخرت باشند.

پس، انگیزه اصلی قیام امام حسین علیه السلام، خیرخواهی و اصلاح امور جامعه و امریه معروف و نهی از منکر است و این مطلب باید همواره مدنظر پیروانش باشد، چه در پرتو حکومت ظالمانه‌ای چون یزید و شاه باشند و چه در پرتو حکومت اسلامی؛ چرا که نیاز جامعه به این فریضه قطع نمی‌شود، با این تفاوت که اگر در ظل حکومت‌های جائز و مستبد باشند، امکان برخورد و یا به شهادت رساندن آنان وجود دارد ولی اگر در پرتو حکومت اسلامی باشند، بی‌گمان مورد تأیید و پشتیبانی مسئولین حکومت خواهند بود. ولی اصل مطلب که خیرخواهی برای مردم و اصلاح امور جامعه و امریه معروف و نهی از منکر است، همیشه به قوت خود باقی است و محوشدنی نخواهد بود. همانطور که ملاحظه می‌شود، چه در زمان رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی قدس سره و چه در زمان رهبر فعلی انقلاب حضرت آیه الله خامنه‌ای، اگر در مواردی احتمال انحراف از جامعه رود یا گروه‌هایی بخواهند مسیر مستقیم جامعه را بهم بزنند، فوراً رهبران انقلاب، مطالب را به مردم گوشزد کرده و از مسیر انحرافی باز می‌دارند و این خصوصیت رهبران و پیشوایان مردم است. البته بقیه افراد نیز ملزم به پیروی از این مطلب بوده و هرگز بار مسئولیت از دوشان برداشته نمی‌شود. اگر رسانه‌ها و مطبوعات و روحانیون و سایر افراد متوجه فسادها نمی‌شوند که در جامعه شکل گرفته یا در حال شکل گرفتن است، واجب است به پیروی از مکتب سید الشهداء «ع»، با صراحت جلو فساد را بگیرند و مسئولین امور را متوجه سازند؛ در غیر این صورت، همه

مسئول اند «کلکم راع وکلکم مسئول عن رعته».

**خطر استعمار فرهنگی**

حان که سخن از امریه معروف و نهی از منکر آمد، روایت اشاره‌ای داشته باشیم به خطر بسیار بزرگی که مواجه با آن هستیم و آن استعمار فرهنگی است. استعمار که نه از راه جنگ و کارزار و نه از راه محاصره اقتصادی و نه از راه‌های بسیار دیگری که در این ده ساله انقلاب آزمایش کرده، نتوانست انقلاب را از دست ما بگیرد، با آن را به ناکامی برساند، امروز متوسل به جریه بسیار سهمگین و زهرآگینی شده است و آن استعمار فرهنگی است. و اگر خدای نخواست در این آزمایش بزرگ نتوانیم سر بلند برانیم و استعمار و شیوه‌های جدیدش را خنثی نسازیم، یادگار عزیز امام را که همان انقلاب مقدس اسلامی است از ما گرفته یا آن را کم رنگ و بی‌رنگ می‌سازند.

مردم باید توجه داشته باشند که میل کتابها و نشریات انحرافی که امروز اتفاق شده است، عرض اصلی آن فرهنگ زدایی و به جلوه دادن ارزشهای انقلاب و اسلام و آن‌ها را - خدای نخواست - ضد ارزش ساختن است. داستانهای شهوت‌انگیز و فاسد کنشده‌ای که امروزه به صورت جزوه‌ها و کتابهای داستانی و با گرفتن مجوز از وزارت ارشاد اسلامی!! به صورت گسترده‌ای رواج پیدا کرده و جوانان و نوجوانان را سیل آسا به سوی انحراف و تباهی می‌کشاند و از مدارس راهنمایی گرفته تا سطوح بالای دانشگاهی، همه را به این منجلاب خطرناک سوق می‌دهد، نیاز به یک فاعلیت حسین گونه دارد که محکم جلوی این شیوه جدید از فساد را فوراً بگیرد و این همه نشریه‌های فاسد را که

در این مسیر حرکت می‌کنند منع کند و مسببین اصلی را به عنوان مفسدین واقعی دستگیر و مجازات نماید، وگرنه هزاران بدبختی و نکبت در پیش خواهیم داشت. متأسفانه امروز قلم بدستان مزدور دوران پستشاهی با همدستی ملئی گمراهی ضد دین و در پوشش‌های فرهنگی هنری، حرکتی جنسی و حساب شده در پیش گرفته‌اند و در پرتو برخی روزنامه‌ها و مجلات و یا بصورت کتابهایی مستقل، به تدریج و گام به گام، تمام ارزشهای انقلاب اسلامی را زیر سؤال برده و ثمره خون هزاران شهید و رنج هزاران معلول انقلاب را پایمال می‌کنند و از سوی دینگری، برای خالصی نبودن عریضه، ضد ارزشهایی که از اربابان غربی خود به ارث برده‌اند، ترویج می‌نمایند و کار بجای رسیده است که داستانها و رماتهای ضد ارزش ضد اخلاقی و مهنج و شهوت‌انگیز، به صورت گسترده‌ای در میان دانش آموزان و در بازار کتاب، پخش و نشر و خرید و فروش می‌شود و حتی برخی روزنامه‌ها نیز - یا نفهمیده و یا از روی عمد - از این داستانها تبلیغ می‌کنند و اینها همه در جلوی چشم مسئولین امور رخ می‌دهد و...

ما صریحاً اعلام می‌کنیم که این حرکت، بمراتب خطرناکتر از جنگ است و اگر آمران بمعروف و ناهیان از منکر، جداً حرکت نکنند، این آتش خانمان سوز، همه جوانب و اطراف را در بر خواهد گرفت و دیگر لجام از دست آنان گرفته خواهد شد و عذاب الهی در دنیا و آخرت دامنه‌شان را خواهد گرفت. پس تا دیر نشده است، برای کنترل این حرکت خطرناک با همکاری مسئولین امور، باید به چاره‌جویی پرداخت و انقلاب عزیز را از کسب ازدهای آتش افروز فساد رها کنید.